

۵ کشته در بی توجهی به جلو توسط رانندگان بی احتیاط



کرمانی - بی توجهی به جلو در دو حادثه رانندگی پنج نفر را به کام مرگ کشاند. سرپرست پلیس راه شمال استان کرمان گفت: بی توجهی به جلو توسط راننده یک دستگاه سواری پراید، در محور «انار-رفسنجان» سه نفر را به کام مرگ کشاند. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ «نصیری» افزود: به دنبال وقوع یک حادثه رانندگی در محور «انار-رفسنجان» بلافاصله مأموران پلیس راه به محور مزبور اعزام شدند. وی افزود: ارزیابی کارشناسان پلیس راه حاکی از آن بود که یک دستگاه سواری پراید در محور مزبور، از مسیر منحرف و واژگون شده است.

وی خاطر نشان کرد: در این حادثه راننده سواری پراید با دو سرنشین دیگر در دم جان خود را از دست دادند. رئیس پلیس راه جنوب استان کرمان هم از وقوع تصادف بین یک دستگاه خودروی پژو با کامیونت در محور «جیرفت-کنهوج» خبر داد که به مرگ دو نفر و زخمی شدن یکی از سرنشینان خودروی سواری منجر شده بود.

سرهنگ رضایی افزود: علت این حادثه بی احتیاطی از جانب راننده پژو و بی توجهی به جلو گزارش شده است.

نجات جان ۱۷ لاک پشت گرفتار روی ریل قطار توسط لکوموتیور



توکلی- راننده لکوموتور در حرکتی جالب، جان تعداد زیادی لاک پشت گرفتار شده روی ریل قطار ایستگاه خاتون آباد به سرچشمه رانجات داد. به گزارش خبرنگار ما، از لکوموتور این سیرجانی دوستدار محیط زیست که لاک پشت های گیر افتاده داخل ریل ها را نجات داده بود، تقدیر شد.

رسولیان رئیس اداره حفاظت محیط زیست سیرجان در این باره گفت: در چند روز اخیر تصاویری در فضای مجازی و کانال های اجتماعی دست به دست می شد که نجات تعداد زیادی لاک پشت گیر افتاده در ریل قطار توسط راننده لکوموتور ان نشان می داد. وی افزود: پس از پیدا کردن نام و نشان این فرد، از وی دعوت شد تا نحوه انجام این عمل را جویا شویم. حسین نجبر لکوموتور ان سیرجانی در مسیر ایستگاه خاتون آباد به سرچشمه که یک مسیر فرعی بوده و از محدوده ارتباطی خارج است باید آهسته می راند تا حادثه ای رخ ندهد به همین دلیل متوجه می شود که تعداد زیادی لاک پشت در ریل گرفتار شده اند. وی با حس طبیعت دوستی که دارد قطار را متوقف و به نجات این گونه های جانوری اقدام می کند. راننده در طول مسیر با فاصله در حدود ۱۰ کیلومتر، چندبار با این صحنه روبه رو می شود که در مجموع ۱۷ لاک پشت توسط وی از خطر مرگ نجات پیدا می کنند و در خارج از ریل رها می شوند. حسین نجبر ورود لاک پشت ها به ریل را به دلیل قسمت هایی می داند که زمین با ریل در یک سطح قرار گرفته است و این حیوانات پس از ورود به ریل اسیر شده بودند. رسولیان نیز در پایان ضمن تقدیر از این دوستدار محیط زیست تصریح کرد: این رفتار های شایسته باید همواره مورد توجه قرار بگیرد و در اس اخبار رسانه ها باشد تا فرهنگ مواجه صحیح با محیط زیست در عموم جامعه نهادینه شود.

سیدخلیل سجادپور - پرونده اعضای باند معروف به «خرچنگ های سیاه» که زنان و دختران جوان را طعمه اعمال شیطانی خود می کردند، با اعدام دو عضو دیگر این باند مخوف در زندان مشهد در حالی بسته شد که دو تن از اعضای اصلی باند نیز اردیبهشت سال ۹۷ در ملاعام به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش اختصاصی خراسان، دستگیری اعضای این باند خطرناک که در پوشش مسافر کشی با آرم تاکسی تلفنی، زنان و دختران را طعمه نیات پلید و شیطانی خود می کردند، از اوایل خرداد سال ۹۶ زمانی آغاز شد که چندین پرونده آدم ربایی و اذیت و آزار زنان در مراکز مختلف قضایی و انتظامی تشکیل شد. بررسی دقیق محتویات این پرونده ها در اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی، حکایت از آن داشت که اعضای یک باند شیطان صفت در پوشش مسافر کش با پر اید ها چ یک سفید رنگ، زنان و دختران جوان را در اطراف بزرگراه شهید کلا نتری و صدمتری فجر، سوار خودرو می کردند. وقتی طعمه آن ها در صندلی عقب جای می گرفت ناگهان یکی از اعضای باند که به عنوان مسافر در صندلی عقب نشسته بود، دست خود را مانند خرچنگ به دور گردن طعمه گره می زد و سوار از زیر صندلی فشار می داد. در این هنگام آن ها با تهدید چاقو و شوکر چپین وانمود می کردند که قصد سرقت و زورگیری دارند اما

وقتی خودرو در مسیر آزادراه باغچه قرار می گرفت. سرنشینان خودرو با مطرح کردن نیت پلید خود، طعمه را به یک چهار دیواری مخروبه می کشاندند که لانه ای بلو که ای درون آن برای استعمال مواد مخدر و انجام اعمال کثیف ساخته بودند.

زمانی که طعمه ها وارد این لانه ترسناک می شدند دیگر فریاد هایشان به جایی نمی رسید و اعضای باند پس از آزار و اذیت های شیطانی، آنان را در نیمه های شب به مشهد بازمی گردانند و رها می کردند. بنابر گزارش خراسان، وقتی مشخص شد اعضای این باند به صورت سریالی اقدام به ارتکاب جرایم پلید می کنند، گروه ویژه ای از کارآگاهان اداره جنایی به فرماندهی مستقیم سرهنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) تلاش گسترده و شبانه روزی را برای دستگیری اعضای این باند آغاز کردند. در حالی که هیچ یک از طعمه ها به دلیل تاریکی شب نتوانستند مشخصاتی از خودرو یا اعضای باند به پلیس ارائه دهند، تحقیقات با نظارت

در زندان مشهد انجام شد

اعدام آخرین اعضای باند خرچنگ های سیاه»



حضور در پلیس آگاهی خراسان رضوی سه متهم دستگیر شده ۲۴، ۲۰ و ۲۶ ساله را در حالی شناسایی کردند که هنوز با دیدن متهمان از ترس بر خود می لرزیدند و اشک ریزان از سر گذشت و خشتناک خود در آن لانه بلو که ای مخوف سخن می گفتند. یکی از طعمه های آنان با گریه های سوزناکش گفت: از شدت ترس همه وجودم می لرزید. وقتی سر کرده خرچنگ ها ترس مرادید فریاد زد، «می خواهی کدام دست را فلج کنم؟» گفتم شما را به امام حسین (ع) قسم می دهم رهایم کنید! من کودکی خردسال در خانه دارم

حضور در پلیس آگاهی خراسان رضوی سه متهم دستگیر شده ۲۴، ۲۰ و ۲۶ ساله را در حالی شناسایی کردند که هنوز با دیدن متهمان از ترس بر خود می لرزیدند و اشک ریزان از سر گذشت و خشتناک خود در آن لانه بلو که ای مخوف سخن می گفتند. یکی از طعمه های آنان با گریه های سوزناکش گفت: از شدت ترس همه وجودم می لرزید. وقتی سر کرده خرچنگ ها ترس مرادید فریاد زد، «می خواهی کدام دست را فلج کنم؟» گفتم شما را به امام حسین (ع) قسم می دهم رهایم کنید! من کودکی خردسال در خانه دارم



اما ی کاش نام مقدسات را بر زبانم جاری نمی کردم چرا که آن خرچنگ شیطان صفت دهان ناپاکش را به ناسزا کشید و حتی به مقدسات توهین کرد! همان لحظه استغفار کردم که چرا موجب شدم چنین حیوان کثیفی به مقدسات من توهین کند! اولی دیگر کاری از دستم ساخته نبود! وقتی تیغه چاقو را زیر گلویم گذاشتند، به آن ها گفتم هر قدر پول بخواهید می دهم فقط مرا نزد همسر و خانواده ام بی آبرو نکنید! اولی او بی شرمانه می گفت: من به اندازه هیکل تو پول بارت می کنم و سپس وحشیانه به سمت من حمله ور شدند... طعمه دیگر «خرچنگ های سیاه» نیز گفت: وقتی آرم تاکسی تلفنی مثلث شکل را روی پر اید دیدم باطمینان سوار شدم اما در نزدیکی صدمتری جوانی که در صندلی جلو نشسته بود به عقب آمد، دهانم را گرفت و تیغه چاقو را زیر گلویم گذاشت. با اشاره به او فهماندم کیف و همه اموال مرا می دهم تا رهایم کنید اما وقتی به نیت کثیف آن هایی بر دم فریاد زدم من شوهر دارم، رحم کنید ولی آن ها با شوکر

ها چ بکار نیز به پلیس آگاهی انتقال دهند. با اعتراضات دو جوان مذکور، پیگیری این پرونده با صدور دستور اتویژه ای از سوی قاضی غلامعلی صادقی (دادستان وقت مشهد) وارد مرحله جدیدی شد. قاضی صادقی که به عنوان مدعی العموم حساسیت خاصی بر پرونده های جرایم ناموسی دارد، بلافاصله قاضی شعبه ۴۰۴ دادسرای انقلاب مشهد را به عنوان قاضی ویژه رسیدگی کننده به این پرونده تعیین کرد و بدین ترتیب، پرونده معروف به «خرچنگ های سیاه» مورد ریشه یابی دقیق و کنکاش های پلیسی و قضایی قرار گرفت.

گزارش خراسان حاکی است، همزمان با اعتراضات دو جوان دستگیر شده، یکی دیگر از همدستان آن ها نیز در یک عملیات جداگانه به دام افتاد و بررسی های تخصصی زیر نظر قاضی حسن حیدری ادامه یافت. تحقیقات نشان می داد که متهمان علاوه بر سرقت اموال طعمه ها، از کارت های عابر بانک آنان نیز مبالغی را برداشت کرده اند. در ادامه شش تن از شاکیان

ماجرای موربانه مر مور!

روزگار وحشتناکی را می گذرانم به گونه ای که پایه ها و ستون های اصلی زندگی ام فرو ریخته است و من در آستانه طلاق قرار دارم اما نمی خواهم به همین راحتی اجازه بدهم تا یک زن بی وجدان و هوسران زندگی فریبکارانه اش را در آشیانه من بنا کند...

زن ۲۵ ساله با بیان این که نمی توانم سر نوشت آینده فرزندم را، قربانی زنی کنم که مانند موربانه ای مرموز به جان آشیانه ۱۰ ساله ام افتاده است، به کارشناس اجتماعی کلانتری شهر ک ناجای مشهد گفت: وقتی در یکی از رشته های علوم انسانی دیپلم گرفتم، دیگر ادامه تحصیل ندادم و به خانه داری مشغول شدم تا این که پنج سال بعد زنی به واسطه یکی از دوستان مادرم مرا برای پسرش خواستگاری کرد. «پرویز» در یک شرکت فروش صنایع فلزی فعالیت داشت و ما بعد از برگزاری آداب و رسوم سنتی، نامزد شدیم. او پسر خوبی بود و همه تلاشش را برای رفاه و آسایش من به کار می گرفت. همسرم در آمد مناسبی داشت و من به همین دلیل خیلی زود صاحب خانه و ماشین شدم. زندگی شیرین ما بعد از دو سال نامزدی و با برگزاری مراسم باشکوه عروسی وارد مرحله جدیدی شد. من هم به همسرم عشق می ورزیدم و تلاش می کردم تا محیطی آرام و دوست داشتنی را برای همسرم فراهم کنم. این زندگی با تولد پسرم زیاتر شدنم خود را خوشبخت ترین زن روی زمین می دانستم اما این شیرینی ۱۰ ساله، سال گذشته با ورود مرموز یک زن به آشیانه ام به تلخ کامی گرایید. آن زن جوان که همکار همسرم بود من تا چند ماه و از آن همکار شوهرم می دانستم، به منزل ما رفت و آمد می کرد و با من طرح دوستی ریخت. اما چند ماه بعد آرام آرام به رفتار های زنند و خود شوهر های بی پرده او با همسرم مشکوک شدم و تازه فهمیدم آن زن مطلقه همکار همسرم است. روابط آن ها طوری با یکدیگر صمیمی بود که سوئیچ خودروی «فرانک» دست همسرم بود و ظرف غذای آن زن درون خودروی همسرم قرار داشت. با وجود این زن منی دریافتم که او همچون موربانه پاییه های زندگی مرا می خورد که در گوشه تلفن همسرم پیام های عاشقانه اش را دیدم. آن روز از شدت عصبانیت و در حالی که دستانم می لرزید، فریاد کشیدم که «پرویز» گفتم چرا به من خیانت کردی؟! اما او دروغ هایی سرهم کرد و گفت: آن پیام ها مربوط به دوست دختر شوهر فرانک است و او آن ها را برای من فرستاده تا بتوانم به فرانک کمک کنم! ولی دیگر به حرف های همسرم اعتماد نداشتم چون می دانستم آن زن مطلقه است. به همین دلیل با فرانک قطع رابطه کردم تا دیگر به منزل ما نیاید ولی باز هم همسرم به طور پنهانی با او قرار می گذاشت. یک بار که برای دیدار خانواده ام به شهرستان رفته بودم شب هنگام با پرویز تماس گرفتم و از او خواستم به دنبالم بیاید اما در حال گفت و گوناگهان صدای فرانک را از آن سوی خط شنیدم که در همین لحظه صدای همسرم قطع شد و او دوباره با من تماس گرفت و ادعا کرد به خاطر این که شب کار است من باید به تنهایی بازگردم. روز بعد در حالی به مشهد بازگشتم که صدای فرانک همچنان در گوشم می پیچید. وقتی به پرویز گفتم فرانک در کنار تو بود؟! با عصبانیت فریاد دتوروانی شده ای ضمن این که به توربطی ندارد من چه می کنم! خلاصه با فرانک تماس گرفتم و از او خواستم پایش را از زندگی ام بیرون کشد ولی مدتی بعد همسرم با این بهانه که بکشی را برای رفت و آمد ندانیم مرا وادار کرد با فرانک آشتی کنیم و به این بهانه نقشه یک مسافرت راطرح کردند. آن جابود که فهمیدم همسرم بیشتر از من به فرانک توجه دارد تا کمبودی نداشته باشد به همین دلیل با حالت قهر آن ها را ترک کردم و به مشهد بازگشتم. پرویز هم وقتی به مشهد رسید تقاضای طلاق یک طرفه داد. اما زمانی که فهمید باید همه حق بر حقوق مرا بپردازد منصرف شدم. با خودم فکر کردم همسرم به زندگی بازمی گردد و رفتارش تغییر می کند ولی نه تنها این گونه نشد بلکه دیگر خارج زندگی ام را نمی داد و روابطش با فرانک صمیمی تر شده بود تا این که روزی به ناچار از پیام های عاشقانه اش با آن زن حيله گر عکس گرفتم و از او شکایت کردم. همسرم وقتی ماجرا را فهمید پیام داد با به صورت توافقی از هم جدا شویم یا کاری می کنم که حتی مهریه اتر اتوانی بگیرم. حالادر حالی نگران سر نوشت فرزندم هستم که آن زن بی وجدان آشیانه ۱۰ ساله مرا هدف گرفته است اما ای کاش.... شایان ذکر است، به دستور سرهنگ محمد فیاضی (رئیس کلانتری شهر ک ناجا) این پرونده توسط مشاوران زنده دایره مددکاری مورد بررسی قرار گرفت.

روزگار وحشتناکی را می گذرانم به گونه ای که پایه ها و ستون های اصلی زندگی ام فرو ریخته است و من در آستانه طلاق قرار دارم اما نمی خواهم به همین راحتی اجازه بدهم تا یک زن بی وجدان و هوسران زندگی فریبکارانه اش را در آشیانه من بنا کند...

زن ۲۵ ساله با بیان این که نمی توانم سر نوشت آینده فرزندم را، قربانی زنی کنم که مانند موربانه ای مرموز به جان آشیانه ۱۰ ساله ام افتاده است، به کارشناس اجتماعی کلانتری شهر ک ناجای مشهد گفت: وقتی در یکی از رشته های علوم انسانی دیپلم گرفتم، دیگر ادامه تحصیل ندادم و به خانه داری مشغول شدم تا این که پنج سال بعد زنی به واسطه یکی از دوستان مادرم مرا برای پسرش خواستگاری کرد. «پرویز» در یک شرکت فروش صنایع فلزی فعالیت داشت و ما بعد از برگزاری آداب و رسوم سنتی، نامزد شدیم. او پسر خوبی بود و همه تلاشش را برای رفاه و آسایش من به کار می گرفت. همسرم در آمد مناسبی داشت و من به همین دلیل خیلی زود صاحب خانه و ماشین شدم. زندگی شیرین ما بعد از دو سال نامزدی و با برگزاری مراسم باشکوه عروسی وارد مرحله جدیدی شد. من هم به همسرم عشق می ورزیدم و تلاش می کردم تا محیطی آرام و دوست داشتنی را برای همسرم فراهم کنم. این زندگی با تولد پسرم زیاتر شدنم خود را خوشبخت ترین زن روی زمین می دانستم اما این شیرینی ۱۰ ساله، سال گذشته با ورود مرموز یک زن به آشیانه ام به تلخ کامی گرایید. آن زن جوان که همکار همسرم بود من تا چند ماه و از آن همکار شوهرم می دانستم، به منزل ما رفت و آمد می کرد و با من طرح دوستی ریخت. اما چند ماه بعد آرام آرام به رفتار های زنند و خود شوهر های بی پرده او با همسرم مشکوک شدم و تازه فهمیدم آن زن مطلقه همکار همسرم است. روابط آن ها طوری با یکدیگر صمیمی بود که سوئیچ خودروی «فرانک» دست همسرم بود و ظرف غذای آن زن درون خودروی همسرم قرار داشت. با وجود این زن منی دریافتم که او همچون موربانه پاییه های زندگی مرا می خورد که در گوشه تلفن همسرم پیام های عاشقانه اش را دیدم. آن روز از شدت عصبانیت و در حالی که دستانم می لرزید، فریاد کشیدم که «پرویز» گفتم چرا به من خیانت کردی؟! اما او دروغ هایی سرهم کرد و گفت: آن پیام ها مربوط به دوست دختر شوهر فرانک است و او آن ها را برای من فرستاده تا بتوانم به فرانک کمک کنم! ولی دیگر به حرف های همسرم اعتماد نداشتم چون می دانستم آن زن مطلقه است. به همین دلیل با فرانک قطع رابطه کردم تا دیگر به منزل ما نیاید ولی باز هم همسرم به طور پنهانی با او قرار می گذاشت. یک بار که برای دیدار خانواده ام به شهرستان رفته بودم شب هنگام با پرویز تماس گرفتم و از او خواستم به دنبالم بیاید اما در حال گفت و گوناگهان صدای فرانک را از آن سوی خط شنیدم که در همین لحظه صدای همسرم قطع شد و او دوباره با من تماس گرفت و ادعا کرد به خاطر این که شب کار است من باید به تنهایی بازگردم. روز بعد در حالی به مشهد بازگشتم که صدای فرانک همچنان در گوشم می پیچید. وقتی به پرویز گفتم فرانک در کنار تو بود؟! با عصبانیت فریاد دتوروانی شده ای ضمن این که به توربطی ندارد من چه می کنم! خلاصه با فرانک تماس گرفتم و از او خواستم پایش را از زندگی ام بیرون کشد ولی مدتی بعد همسرم با این بهانه که بکشی را برای رفت و آمد ندانیم مرا وادار کرد با فرانک آشتی کنیم و به این بهانه نقشه یک مسافرت راطرح کردند. آن جابود که فهمیدم همسرم بیشتر از من به فرانک توجه دارد تا کمبودی نداشته باشد به همین دلیل با حالت قهر آن ها را ترک کردم و به مشهد بازگشتم. پرویز هم وقتی به مشهد رسید تقاضای طلاق یک طرفه داد. اما زمانی که فهمید باید همه حق بر حقوق مرا بپردازد منصرف شدم. با خودم فکر کردم همسرم به زندگی بازمی گردد و رفتارش تغییر می کند ولی نه تنها این گونه نشد بلکه دیگر خارج زندگی ام را نمی داد و روابطش با فرانک صمیمی تر شده بود تا این که روزی به ناچار از پیام های عاشقانه اش با آن زن حيله گر عکس گرفتم و از او شکایت کردم. همسرم وقتی ماجرا را فهمید پیام داد با به صورت توافقی از هم جدا شویم یا کاری می کنم که حتی مهریه اتر اتوانی بگیرم. حالادر حالی نگران سر نوشت فرزندم هستم که آن زن بی

روزگار وحشتناکی را می گذرانم به گونه ای که پایه ها و ستون های اصلی زندگی ام فرو ریخته است و من در آستانه طلاق قرار دارم اما نمی خواهم به همین راحتی اجازه بدهم تا یک زن بی وجدان و هوسران زندگی فریبکارانه اش را در آشیانه من بنا کند...

روزگار وحشتناکی را می گذرانم به گونه ای که پایه ها و ستون های اصلی زندگی ام فرو ریخته است و من در آستانه طلاق قرار دارم اما نمی خواهم به همین راحتی اجازه بدهم تا یک زن بی وجدان و هوسران زندگی فریبکارانه اش را در آشیانه من بنا کند...

ماجرای جسدی در ساک!



سجادی- جسد مرد مجهول الهویه ای که بین ۴۰ تا ۴۵ سال دارد، نیمه شب سه شنبه گذشته در منطقه بولوار فرامرز عباسی مشهد کشف شد. به گزارش خراسان، حدود ساعت ۲۳ سه شنبه شب بود که شهروندان ر هگذر با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و از وجود جسدی درون یک ساک پلاستیکی در ابتدای بولوار شهید فرامرز عباسی ۲۸ خبر دادند. در پی دریافت این خبر، بلافاصله قاضی کاظم میرزایی که هنوز در گیر یک پرونده جنایی در منطقه ۱۷ شهربور مشهد بود به محل مذکور عزیمت کرد. بررسی های مقدماتی نشان می داد که عامل با عاملان جنایت پس از خفه کردن مرد مذکور، جسد او را درون پرده و پتو گذاشته و سپس با یک ساک به محل کشف حمل کرده اند. تحقیقات بیشتر در باره این ماجرا در حالی ادامه دارد که حدود ۱۲ تا ۲۴ ساعت از مرگ وی می گذشت. این گزارش حاکی است، قاضی میرزایی از شهروندان خواست چنان چه اطلاعاتی در باره هویت مقتول دارند با تلفن ۱۱۰ یا ۲۶۷۱۸۲۵۲۱ پلیس آگاهی تماس بگیرند.

کل کل خیابانی به جنایت کشید



سجادپور - کل کل خیابانی چند دوست در اطراف میدان ۱۷ شهربور مشهد به جنایتی هولناک کشید. به گزارش خراسان، شب سه شنبه گذشته، پیکر های خون آلود دو برادر به در مانگاهی در مشهد انتقال یافت اما یکی از آنان بر اثر عوارض ناشی از اصابت شیء نوک تیز و برنده جان سپرد و برادر مقتول نیز به بیمارستان امدادی مشهد منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت.

با مرگ جوان ۱۹ ساله، پرونده ای جنایی شکل گرفت و بدین ترتیب قاضی ویژه قتل عمد شبانه عازم در مانگاه شد. بررسی های مقدماتی نشان می داد: اختلافات سه جوان که به خاطر شوخی دوستانه از روز قبل آغاز شده بود، به

در گیری فیزیکی کشیده شده و در این میان جوانی به نام یزدان با وارد آوردن ضربه تیغ موکت بری، دو برادر را راهی بیمارستان کرده است. بنابر گزارش خراسان، به دنبال قتل جوان ۱۹ ساله و با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی کاظم میرزایی، متهم این پرونده جنایی تحت تعقیب کارآگاهان زنده پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت تا این که کارآگاهان با توسل به شگرد های تخصصی موفق به در زنی متهم در منطقه گلپار شدند، بنابر این گروه زنده ای از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ بهرامزاده (رئیس دایره قتل عمد) وارد عملیات شدند اما متهم که خود را در محاصره پلیس می دید عازم مشهد شد و ساعتی بعد در منزل خواهرش خود را تسلیم پلیس کرد. متهم این پرونده جنایی در بازجویی های تخصصی به قاضی کاظم میرزایی گفت: روز قبل در حالی که شوخی می کردم، مقتول هم وارد شوخی شد که به او گفتم: این جاجای دهه هشتادی هایست! او هم ناراحت شد و همین موضوع به اختلاف کشید تا این که صبح روز بعد به او انگ زد و دم و قرار دعوا گذاشتم. وقتی برابرش آمد با کمر بند به من حمله کردند که من هم تیغ موکت بری را بیرون کشیدم و ضربه ای به گردن او زد و برادرش را هم مجروح کردم. تحقیقات بیشتر در این باره از سوی سرهنگ نجفی (افسر پرونده) همچنان ادامه دارد.

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۹/۱
(دو مرحله ای)
شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد کنتورهای دیجیتالی و هوشمند مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. داوطلبان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس های ذیل مراجعه نمایند.
۱- سایت معاملات بیشتر به آدرس www.tavanir.org.ir
۲- پایگاه ملی مناقضات <http://iets.morg.ir>
۳- وب سایت شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد www.Meedc.ir
۴- مشهد- بلوار خیام- شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد- امور تدارکات
اداره خرید کالا- تلفن: ۳۷۶۸۱۰۶۷-۰۵۱

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه و مجمع فوق العاده مجمع آسمان (نوبت اول)
بدینوسیله به اطلاع کلیه مالکین محترم مجمع آسمان می رساند، مجمع عمومی عادی سالانه و مجمع فوق العاده (نوبت اول) در روز شنبه ۹۹/۰۲/۲۰ ساعت ۱۷ در مجمع آسمان بولک ای ۱ پارکینگ ۰۱ برگزار میگردد. لذا از کلیه مالکین (فاز ۱ و ۲) دعوت می گردد، با در دست داشتن کارت شناسایی معتبر (و یا وکیل قانونی) در جلسه فوق حضور یابند. ضمناً مالکین محترم می توانند از ۹۹/۰۲/۱۵ لغایت ۹۹/۰۲/۱۸ ساعت ۱۶ الی ۱۸ با به همراه داشتن مدارک وکیل و موکل نسبت به معرفی وکیل به دفتر هیات امناء واقع در مجمع آسمان مراجعه نمایند.
دستور جلسه:
۱- تصویب صورت های مالی منتهی به سال ۱۳۹۸/۱۲/۲۹
۲- تصویب بودجه سال ۱۳۹۹
۳- طرح تصویب جمع آوری هزینه های مربوط به چیلر و آسانسور دوم
۴- در صورت تصویب بند ۱ دستور جلسه، تصویب روش برخورد با مالکینی که هزینه های مربوط را در زمان مقرر پرداخت نمی نمایند.
هیئت مدیره مجمع آسمان
۵۲۲۱/۹۹۰۵۲۲۱

واحد صفحه آرایشی روزنامه خراسان
سفارشی می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

مناقصه عمومی خرید البسه
موسسه تأمین و پشتیبانی رضوی در نظر دارد به منظور تأمین البسه مورد نیاز پر سنل تحت پوشش خود نسبت به خرید اقلام ذیل شامل "کت و شلوار، بلوز و شلوار فرم و فنی، روپوش، پیراهن و شلوار، صندل مردانه و زنانه، ماتو و شلوار فرم، کاور علائم و مقنعه" از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. متقاضیان میتوانند جهت دریافت اسناد شرکت در مناقصه حداکثر تا ساعت ۱۳ مورخ ۹۹/۰۲/۱۸ به آدرس مشهد- چهارراه شهدا- بازار مرکزی فاز ۱- پلاک ۳۰۴- موسسه تأمین و پشتیبانی رضوی مراجعه فرمایند. هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
شماره تماس: ۰۵۱۳۲۰۰۱۵۰۶